

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Housing Development Strategies in Small Cities
Case Study: Khomam City in Guilan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

راهکارهای توسعه مسکن در شهرهای کوچک

مطالعه موردی: شهر خمّام در استان گیلان

علی یاران^{۱*}، حامد محمدی خوش‌بین^{۲**}

۱. استاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.

۲. دکتری معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۲ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۷ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۹/۰۱

چکیده

بیان مسئله: در برنامه‌ریزی توسعه مسکن، رویکردی جامع نیاز است که همه عناصر و اجزای مؤثر را لحاظ کند، روابط بین آن عناصر را مشخص کند و در نهایت مجموعه‌ای از راه‌حل‌های مختلف با تعیین اولویت‌ها ارائه دهد. انتخاب و بررسی مکانی که مسکن و محیط‌های مسکونی جدید در آن ساخته شود یکی از اجزای این رویکرد جامع است. بنابراین ضروری است که ارائه راهکارهای توسعه مسکن متناسب با «مکان مشخص» باشد، که در این پژوهش «مکان مشخص» شهرهای کوچک است. هدف: این مقاله در پی ارائه راهکارهایی برای توسعه مطلوب مسکن در شهرهای کوچک، با توجه به نقش این شهرها در تعادل سیستم سکونت‌گاهی منطقه، در فرآیند تدوین برنامه‌ریزی جامع مسکن است. روش تحقیق: در این پژوهش در بخش تبیین مفاهیم از روش استدلال منطقی، در بخش ارائه راهکارها از روش تحلیلی-توصیفی بهره گرفته شده است و همچنین برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از شیوه‌های اسنادی و بررسی‌های میدانی استفاده شده است. نتیجه‌گیری: توسعه متناسب در بخش مسکن توسعه پایدار شهرهای کوچک را به همراه دارد و نقش آن‌ها را در فرآیند توسعه منطقه‌ای تقویت می‌کند. این پژوهش نشان داد در روندی مشخص، با بهره‌گیری از اصول معماری بومی، می‌توان راهکارهایی برای توسعه مناسب مسکن تدوین کرد. این راهکارها به چهار دسته فرم، عملکرد، فضا و مصالح و ساخت قابل تقسیم‌اند. **واژگان کلیدی:** مسکن، راهکارهای توسعه، شهر کوچک، شهر خمّام، معماری بومی گیلان.

مقدمه

کاربر اصلی نیز باید ویژگی‌های آن و نیازهای انسان توأمان بررسی شود. مشکلات مسکن (چه به صورت کمی و چه به صورت کیفی) به دلیل تمرکز و انباشت جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ و ممکن نبودن پاسخ‌گویی به نیازهای سریع ایجادشده، شدت یافته است. سیاست‌های گوناگونی به‌منظور رفع این مشکل و تأمین کمی مسکن مورد نیاز در برنامه‌های توسعه اتخاذ شده است. راهبردها و رویکردهایی متفاوت، با عناوینی چون،

مسکن هم‌چون نیازی اساسی همواره در مرکز توجه قرار داشته است. نقش مسکن در سیستم شهری و منطقه‌ای و کارکرد آن در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار بااهمیت و از جمله مواردی است که در سطح کلان نیاز به تحلیل دارد. در سطح خرد و تعامل مسکن با انسان به‌عنوان

* نویسنده مسئول: yaran400@yahoo.com، ۰۹۱۲۳۸۴۰۹۳۳
** نویسنده دوم: hm.khoshbin@tabriziau.ac.ir

پژوهش‌ها و تحقیقات بسیار و متنوعی نیز در بررسی ویژگی‌های مختلف مسکن انجام شده است. این مطالعات سعی در شناخت عوامل مؤثر کمی و کیفی در طراحی و ساخت مسکن مطلوب و تبیین ویژگی‌ها و عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی، ساخت و طراحی مسکن مناسب کرده‌اند (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵؛ عزیزی، ۱۳۸۴، ۱۳۸۳؛ لطفی، احمدی و حسن‌زاده فرجود، ۱۳۸۸). در زمینه برنامه‌ریزی مسکن، شاخص‌های کمی تراکم خانوار، نفر و اتاق در واحد مسکونی و میزان سرانه هرکدام و همچنین شاخص‌های کیفی‌ای همچون نسبت مسکن مناسب براساس مصالح و دوام و تسهیلات مسکن معرفی شده‌اند (پوراحمد، زیاری، یوسفی و حاجیلو، ۱۳۹۵). در راهبردهای توسعه مسکن با رویکرد توسعه پایدار، بهسازی در بافت فرسوده شهری، استفاده از شیوه‌های نوین، مرمت بناهای بارز، افزایش تراکم، تعادل فضایی در نظام عملکردی و کنترل میزان توسعه در حوزه معماری توصیه شده است (حکمت‌نیا و انصاری، ۱۳۹۱؛ لطفی و خیرخواه، ۱۳۹۱). همچنین بر تأثیر معماری بومی و نقش آن‌ها در بالابردن کیفیت محیط در مطالعات متعددی تأکید شده است (ایرانمنش نصرت‌پور، میرشک‌داغیان و هادی، ۱۳۹۴؛ خاکپور، انصاری، شیخ‌مهدی و طاووسی، ۱۳۹۴؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۷). معماری بومی همچنین دارای راهکارها و شیوه‌های مختلفی برای فراهم کردن شرایط زندگی مناسب در ساختمان‌هاست (مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵) و استخراج این اصول و راهکارها با مطالعه معماری بومی نیز در پژوهش‌های مختلف بررسی شده است (راهب، ۱۳۹۴؛ یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲). در حوزه منطقه‌ای گیلان نیز پژوهش‌های مختلفی درباره ویژگی‌های شکلی، اقلیمی و همچنین جنبه‌های مختلف دیگر معماری بومی انجام شده است. در این پژوهش‌ها روند توسعه فیزیکی و تأثیر عوامل جغرافیایی و اقلیمی، فعالیت‌های معیشتی و فرهنگی (خاکپور، ۱۳۸۴)، عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت (خاکپور و شیخ‌مهدی، ۱۳۹۰؛ خاکپور و عشقی صنعتی، ۱۳۹۳) ویژگی‌های همراه با اقلیم و تأثیر این عوامل در شکل‌گیری عناصر معماری (گرچی مهلبانی و دانشور، ۱۳۸۹) و همچنین مقایسه مشخصه‌ها و ویژگی‌های این گونه از معماری با سایر مناطق و کشورها (گرچی مهلبانی و یاران، ۱۳۸۹) و شیوه‌های معماری (یاران و مهرانفر، ۱۳۹۴) بررسی و مطالعه شده‌اند و با استفاده از نکات و ویژگی‌های معماری بومی پیشنهادهایی برای معماری مسکونی منطقه نیز ارائه شده است (خاکپور، ۱۳۸۵).

مسکن و برنامه‌ریزی برای توسعه آن از دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلف کالبدی و فضایی بررسی شده است. اهمیت مطالعه

مسکن اجتماعی، مسکن افراد کم‌درآمد، استیجاری و ... نشان‌دهنده تلاش برنامه‌ریزان در رفع این مشکل است. با رشد شهرنشینی و پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ، رویکردهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، با توجه به نقش شهرهای کوچک، موضوع پژوهش‌ها و مطالعات قرار گرفته است. توجه به نقش شهرهای کوچک و توسعه پایدار آن‌ها می‌تواند به تعادل در سیستم سکونت‌گاهی منطقه بینجامد. در نظام نامتعادل سیستم سکونت‌گاهی منطقه‌ای شهرهای کوچک با مشکلات مدیریتی و بیکاری درگیرند (ایران‌دوست و امینی، ۱۳۹۰). مسکن، به‌عنوان زیرساخت، در توسعه همه‌جانبه این گونه شهرها نقشی اساسی دارد. بنابراین توجه به اصول و ارائه راهکارهایی برای توسعه مسکن در این شهرها به دلیل کوچک بودن مکان و همچنین بینابین بودن معماری شهری و روستایی از اهمیت بالاتری برخوردار است.

این پژوهش در پی یافتن عوامل مؤثر در تدوین روشی مناسب برای توسعه مسکن و ارائه راهکارهایی در برنامه‌ریزی و توسعه آن در شهرهای کوچک است. به عبارتی دیگر این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است که فرآیند دستیابی به راهکارهای توسعه مسکن در شهرهای کوچک چگونه است و این فرآیند در نمونه موردی شهر کوچک خُمام در استان گیلان چگونه انجام می‌پذیرد.

معماری بومی گیلان چه در بخش روستایی و چه در بخش شهری دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که امروزه نیز قابلیت استفاده و گسترش در طراحی و برنامه‌ریزی در بخش را مسکن دارد. توجه و استخراج این مفاهیم و اصول نه‌تنها قابلیت هماهنگی ساختمان و بنای مسکونی را با شرایط محیطی و اقلیمی افزایش می‌دهد، بلکه به دلیل ایجاد و گسترش در بستر فرهنگی ساکنان، در بالابردن سطح کیفیت زندگی نیز مؤثر است.

پیشینه پژوهش

برنامه‌ریزی مسکن و توسعه آن از دیرباز موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است و جنبه‌های مختلف اثرگذار بر آن بررسی شده است. مکان‌یابی مسکن در منطقه و به‌خصوص شهرهای کوچک موضوع برخی پژوهش‌ها قرار گرفته است (شریفی‌نیا و نورا، ۱۳۸۹؛ ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸؛ فنی، ۱۳۸۸). در برخی مطالعات شاخص‌های ساختاری-کارکردی کیفیت شهرنشینی در این گونه شهرها تحلیل شده است (فیروزی، سجادیان، امیری‌فهلپانی، مرادی مفرد، و بوستانی، ۱۳۹۵) که می‌تواند در برنامه‌ریزی مسکن مؤثر باشد. در مطالعات پیشین نشان داده شد که مسکن موضوع اساسی در توسعه فضایی و کالبدی شهرهای کوچک است (Yaran & Mohammadi Khoshbin, 2012).

مبانی نظری

• مسکن و توسعه

واژه مسکن به معنای اقامت کردن و مسکن گزیدن و سکونت یعنی اقامت و سکون که مفهومی گسترده تر از عمل فیزیکی اسکان دارد و مجموعه فعالیت‌های فردی و جمعی را در بر می‌گیرد. سکونت را می‌توان بیان‌کننده تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. برخی ویژگی‌های ویژه مسکن عبارت است از:

۱. تنوع رفتار و نیازهای بهره‌برداران و تنوع فضایی در عین کوچک‌تر بودنش از سایر کاربری‌ها؛

۲. نوع، کمیت و کیفیت استفاده از فضا؛

۳. حفاظت فیزیکی و اقلیمی؛

۴. ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ و هویت بومی و ارضای حس زیبایی‌پرستی (علی‌الحسابی، اربابیان و یوسف زمانی، ۱۳۸۸).

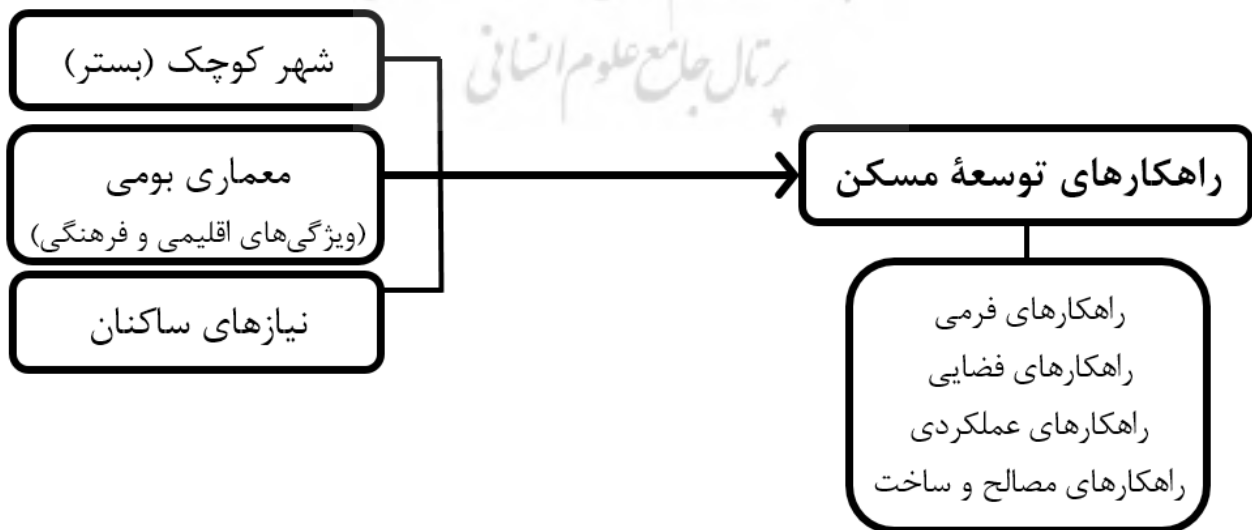
مسکن، در چارچوب تأمین فضای مورد نیاز برای آسایش انسان، نه تنها وجودی مادی است که تحقق آن مستلزم دانش مهندسی است، بلکه کیفیتی فضایی است که تأمین نیازهای روحی و روانی آدمیان را بر عهده دارد. در این چارچوب، علاوه بر واحد مسکونی، واحدهای همسایگی، محله، روستا و شهر نیز مسکن محسوب می‌شوند (سرتیپی پور، ۱۳۸۳).

برنامه‌ریزی مسکن در شهرهای کوچک متأثر از پیش‌بینی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی است. برنامه‌ریزی مسکن برای مردمی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غالباً متفاوت تنها زمانی مطلوب و موفق خواهد بود که این ابعاد متفاوت در نگاهی کلی‌گرا و ناظر بر شرایط و امکانات موجود و به دور از ایدئال‌گرایی، بررسی شود و مورد توجه قرار گیرند

آن در بسترهای متفاوت فرهنگی و جغرافیایی بیان شده و راهکارهای متنوعی نیز براساس جنبه موردتوجه در این پژوهش‌ها برای آن ارائه شده است. همچنین در بررسی پژوهش‌های پیشین، بر اهمیت معماری بومی و نقش آن، به‌عنوان راهنما در یافتن اصولی که بتوان امروزه در برنامه‌ریزی و طراحی معماری به‌کار برد، تأکید شده است. شهرهای کوچک نیز به‌عنوان بستری که می‌تواند نقش مهمی در تعادل سکونت‌گاهی در منطقه ایفا کنند معرفی شده‌اند. بررسی این موارد به همراه یکدیگر در پژوهش‌های این حوزه مغفول مانده است. بنابراین دو موضوع اهمیت بررسی مسکن و نقش معماری بومی در برنامه‌ریزی و ارائه راهکارها برای توسعه آن، با توجه به نقش شهرهای کوچک در منطقه، نیاز به بررسی و پژوهش بیشتری دارد که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

در این مقاله با روش استدلال منطقی در بخش اول عوامل مختلف اثرگذار در وضعیت مسکن و برنامه‌ریزی آن بررسی شد. در این مرحله ویژگی‌های مکانی توسعه مسکن و نقش آن در برنامه‌ریزی مسکن مورد بررسی قرار گرفت. سپس با رویکرد تحلیلی-توصیفی فرآیند رسیدن به راهکارهای توسعه مسکن تبیین، و شاخصه‌های مؤثر آن بررسی شد. در این بخش روندی مشخص برای دستیابی به راهکارها معرفی شد. این عوامل و مشخصه‌ها در مطالعه موردی (شهر کوچک خمam) تحلیل و ویژگی‌های آن استخراج و در نهایت راهکارهای معماری برای توسعه مسکن ارائه شد (تصویر ۱).



تصویر ۱. چارچوب نظری تحقیق (رابطه بین مفاهیم پژوهش). مأخذ: نگارندگان.

نیست، بلکه راهبردی برای توسعه مناسب در هر دو وجه کمی و کیفی مسکن است. این راهبرد برگرفته از شناخت ویژگی‌های مسکن در مقیاس کلان و خرد، نقش آن در شهر و فراتر از آن در منطقه و همچنین تأثیر آن در زندگی ساکنان است. این شناخت به تشخیص معیارهای مؤثر در تدوین راهکارهای معماری و تبیین روش‌های توسعه آن کمک می‌کند. براین اساس در فرآیندی چند مرحله‌ای در ابتدا نقش و جایگاه مسکن در شهرهای کوچک تبیین، و وضعیت آن مطالعه و بررسی می‌شود، سپس معماری بومی و مبانی شکل‌گیری آن تحلیل می‌شود. در مرحله بعد، نیازهای ساکنان و نقش مسکن در زندگی افراد بررسی می‌شود و در نهایت، با جمع‌بندی از مراحل اشاره‌شده و نتیجه‌گیری از یافته‌ها، ضوابط و راهکارهایی برای توسعه مسکن تدوین و ارائه می‌شود.

۱. تبیین نقش و جایگاه مسکن در شهرهای کوچک

مسکن بزرگ‌ترین کاربری در شهرهاست و میزان تأمین و تولید مسکن عامل کمی تعیین‌کننده در توسعه فیزیکی

(قرخلو، شعبانی‌فرد، حسینی و احدزاده، ۱۳۸۸). نظریه‌های برنامه‌ریزی فیزیکی (کالبدی) بر معیارها و ضوابط فیزیکی اتکا دارند و بیشتر جنبه‌های مهندسی، معماری، ساختمان‌سازی، خانه‌سازی، زیباسازی و تأسیسات زیربنای شهر بر آن‌ها حاکم است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۲). با توجه به ادبیات موضوع و پژوهش‌های پیشین، توسعه مسکن و عوامل اثرگذار در آن را می‌توان در قالب ابعاد اقتصادی، کالبدی، فرهنگی-اجتماعی و زیستی طبقه‌بندی کرد که در جدول ۱ نشان داده شده است.

داشتن نگاهی جامع و توجه به تمام مؤلفه‌های مؤثر در مسکن مناسب می‌تواند به توسعه مطلوب مسکن بینجامد. در این پژوهش به ارائه راهکارها برای جنبه‌های مختلف توسعه مسکن، در مقیاس معماری، توجه شده است.

فرآیند دست‌یابی به راهکارهای توسعه مسکن

توسعه مسکن تنها راهکارهایی برای افزایش کمی مسکن

جدول ۱. دسته‌بندی عوامل اثرگذار در توسعه مسکن. مأخذ: نگارندگان.

دسته‌بندی عوامل	عوامل اثرگذار در توسعه مسکن	پژوهش‌ها و تألیفات مرتبط
اقتصادی	سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و رونق تولید بازده اقتصادی گردشگری	
کالبدی	الگوی توسعه (افقی و عمودی) و تیپولوژی مسکن (تک‌واحدی، آپارتمانی، مجتمع مسکونی، بلندمرتبه‌سازی) میزان تراکم و سطح اشغال (دانه‌بندی) کیفیت و غنای بصری مصالح و سازه	حکمت‌نیا و انصاری، ۱۳۹۱؛ علی‌الحسابی، حسینی و نسبی، ۱۳۹۰؛ دانش‌پایه، حبیب و طغیانی، ۱۳۹۶؛ زندیه و حصاری، ۱۳۹۱؛ بزی، کیانی و راضی، ۱۳۸۹؛ پورمحمدی، روستایی و اسدی، ۱۳۹۲؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۵؛ محمودی و نیکقدم، ۱۳۸۷
فضایی و عملکردی	کیفیت‌های فضایی تأمین امکانات، زیرساخت‌ها و تأسیسات وابسته دسترسی مناسب و توزیع بهینه کاربری‌ها و خدمات شهری	
اجتماعی	مفهوم اجتماع متعادل تعامل و سرزندگی اجتماعی امنیت	
محیط زیست	حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی (انرژی‌های تجدیدپذیر) استفاده مطلوب از زمین و حداکثر استفاده از محیط‌های طبیعی پیرامون سلامت محیطی	

و نیازهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی ساکنان و متناسب با شرایط و امکانات زمان ساخته شده و شکل گرفته است، می‌تواند در برنامه‌ریزی مسکن با هویتی روشن به کار رود.

۳. نیازهای ساکنان و نقش مسکن در زندگی افراد
مسکن خردترین و کوچک‌ترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط است (روستایی، احدنژاد، اصغری زمانی و زنگنه، ۱۳۹۱). فضاهای سکونتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که پاسخگوی نیازهای متنوع گروه‌های مختلف اجتماعی در همه رده‌های سنی باشند. مسکن مناسب باید محیطی سازگار با روش زندگی انسان و منطبق بر آن را فراهم آورد و به بیان دیگر هر دو نیاز کمی و کیفی انسان را برآورده کند. نیازهای کمی شامل سرانه‌ها، ابعاد و اندازه فضاها و الزامات و ضوابط فیزیکی بنا می‌شود. در بیشتر برنامه‌ریزی‌های حوزه مسکن به این موضوع توجه می‌شود. توجه به نیازهای کیفی انسان و همچنین بررسی نقش مسکن در برآورده کردن این نیازها بخش وسیعی از مطالعات را تشکیل می‌دهد. ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در این نوع نیازهاست که در رفتارهای ساکنان بروز می‌یابد.

بررسی نیازهای انسانی و تأثیر مسکن در برآورده کردن آن‌ها و همچنین تحلیل نقشی که هر مسکن از حیث‌های مختلف در زندگی افراد ساکن در آن و سایر افراد اجتماع دارد در تحقق شیوه توسعه مناسب از اهمیت برخوردار است.

۴. ارائه ضوابط و راهکارها برای توسعه مسکن
جمع‌بندی مراحل اشاره‌شده در بخش‌های پیشین و نتیجه‌گیری از یافته‌ها به ارائه راهکارهای معماری برای توسعه مناسب مسکن منجر می‌شود.

یافته‌ها

• وضعیت مسکن در شهرهای کوچک استان گیلان
جمعیت شهرنشین در استان گیلان با مهاجرت روستاییان به شهرها، علی‌رغم تعادل در نظام سکونت‌گاهی، در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است و اکثر این مهاجرت‌ها به سمت شهرهای متوسط و بزرگ جریان دارد. توسعه امکانات و زیرساخت‌ها در شهرهای کوچک به‌کندی صورت گرفته است و نمی‌تواند پاسخگوی نیاز ساکنان، رشد جمعیت و نیازهای ساکنان روستاهای حوزه نفوذ باشد. این وضعیت روند مهاجرت به سمت شهرهای بزرگ را از روستاها و حتی شهرهای کوچک تسریع می‌بخشد. رشد شهرهای کوچک و افزایش توان آن‌ها در منطقه می‌تواند این مسئله را تا حد زیادی کنترل کند، اما این رشد و توسعه نیازمند توجه به بخش‌های مختلف این شهرها به‌ویژه برنامه‌ریزی در توسعه مناسب مسکن این گونه شهرهاست.

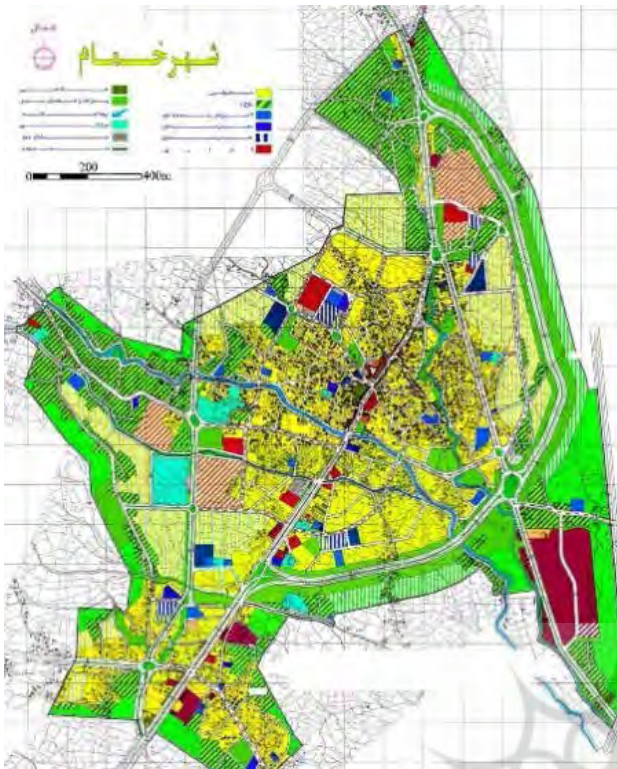
شاخص‌های بررسی وضعیت مسکن به دو دسته کمی و

شهرها به‌خصوص شهرهای کوچک است و در شکل‌گیری هویت و کالبد شهر نقش اساسی‌تری ایفا می‌کند. توسعه مسکن با توجه به دارا بودن ظرفیت بسیار در زمینه اختصاص نیروی انسانی و مالی می‌تواند به جنبه‌های اقتصادی کمک کند. همچنین شهرهای کوچک می‌توانند، به‌منزله محدودۀ تفریحی دارای ویژگی‌های روستایی و امکانات رفاهی شهری، مقصد مناسبی برای گردشگری باشند. رشد مناسب مسکن نیازهای زیستی ساکنان شهرها را تأمین می‌کند و بهبود شرایط اجتماعی خانوارها را در پی دارد که نقش بسیار مهمی در ارتقای شاخص‌های اجتماعی پیدا می‌کند. فراهم آمدن این موارد در کنار هم به ثبات سیاسی در شهرهای کوچک کمک می‌کند و تبعاً به رشد و توسعه پایدار شهری منجر می‌شود. در نتیجه مسکن دارای جایگاه اساسی و از عوامل اصلی در دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار شهرهای کوچک است که این امر نقش مهمی در توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای دارد (Yaran & Mohammadi Khoshbin, 2012).

۲. شناخت معماری بومی و تحلیل مبانی شکل‌گیری آن
ساختمان‌های بومی در تمام نواحی، نتیجه تفکر و عملکرد قرن‌ها تجربه است که می‌تواند همچون منبع مستمر دانش مورد استفاده قرار گیرد (Oikonomou & Bougiatioti, 2011). این ساختمان‌ها، به‌صورت زیست‌اقلیمی طراحی شده‌اند که در آن، برای رسیدن به شرایط آسایش حرارتی، آکوستیکی و نورانی، با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و با استفاده از اصول و مصالح بومی هر منطقه، برای انسجام ساختمان با شرایط اطرافش تلاش می‌شود (Anna-Maria, 2009). از این منظر، مطالعه معماری بومی می‌تواند راهکارهای مؤثری برای محیط مصنوع فراهم کند که در ارتباط با زمینه محیطی پایدار ارزیابی می‌شود و از منابع محلی برای پاسخگویی به نیازهای محلی استفاده می‌کند (Philokyrou & Michael, 2012). همچنین شکل‌گیری محیط مسکونی براساس معماری و تکنولوژی بومی به آن‌ها ویژگی خاصی داده است و می‌تواند به‌مثابه سرمایه و ثروتی اساسی و برای حفظ هویت آن‌ها به‌کار گرفته شود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۷). توجه به فرهنگ، شیوه‌ها و سنت‌های زندگی ساکنان همچنین می‌تواند موجب رضایت نسبی آن‌ها از محیط مسکونی شود (محمودی و نیکقدم، ۱۳۸۷).

با بررسی جنبه‌های مختلف و در نظر گرفتن نظام‌های طبیعی و انسانی اثرگذار در شکل‌گیری معماری (نظام‌های طبیعی شامل نظام هوا، آب، زمین، گیاه و نظام‌های انسانی شامل نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) مبانی شکل‌گیری معماری بومی استخراج می‌شود و می‌تواند در طراحی و برنامه‌ریزی به کار رود.

بنابراین معماری بومی، به‌مثابه منبعی که در انطباق با خواست‌ها



تصویر ۲. نقشه شهر خمام. مأخذ: مطالعات طرح هادی شهر خمام.



تصویر ۳. ساخت مسکن در زمین‌های زراعی و بدون توجه به بافت مجاور (راست) و ساخت‌وساز گسترده در کوچه‌های باریک (چپ). مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۴. رشد فضاهای مسکونی بدون توجه به نیاز ساکنان و معماری بومی منطقه. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

کیفی تقسیم می‌شوند. شاخص‌های کمی مسکن شامل تراکم خالص و ناخالص، تراکم خانوار، تراکم نفر در واحد مسکونی، متوسط تعداد اتاق در واحد مسکونی و نسبت رشد خانوار به رشد مسکن می‌شود و شاخص‌های کیفی مسکن نیز نحوه تصرف محل سکونت و وضعیت فیزیکی واحدهای مسکونی را در بر می‌گیرد.

براساس آمار مطالعات طرح جامع، تنها براساس رشد جمعیتی و نیاز خانوارها به ساخت مسکن جدید، در سال‌های ۱۳۹۵ تا افاق سال ۱۴۰۵، رشد تعداد واحدهای مسکونی مورد نیاز برای ساخت به ۱۸۸۷۴۰ واحد افزایش می‌یابد (مطالعات طرح جامع مسکن استان گیلان، ۱۳۸۸). در این میان شهرهای کوچک در معرض آسیب‌های بیشتری هستند. بافت سنتی این شهرها به سرعت با ساخت و سازهای جدید برای پاسخ به این نیاز تغییر می‌کند و بناهای جدید عمدتاً بدون توجه به اصول معماری بومی ساخته می‌شوند.

• وضعیت فعلی مسکن در شهر خمام

شهر خمام مرکز یکی از شش بخش شهرستان رشت است و در ناحیه جلگه‌ای قرار دارد. این شهر از جنوب به رشت، از شمال به دریا و انزلی، از غرب به مرداب و از شرق به بخش خشک‌بیجار محدود است. در اطراف شهر زمین‌های کشاورزی مرغوب و همچنین جاده کمربندی در قسمت شرقی شهر قرار دارد. این شهر به دلیل موقعیت قرارگیری خود می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تعادل در توسعه منطقه‌ای داشته باشد (تصویر ۲).

خمام، با توجه به نیاز به توسعه بخش مسکونی برای جمعیت روبه‌رشد این شهر، در این حوزه با کمبود مواجه است. معماری مسکونی شهر خمام در دو سه دهه گذشته، به دلیل ساخت‌وسازهای گسترده، دچار دگرگونی بسیار و بی‌هویتی شده است و امروزه تعداد زیادی از بناهای ساخته‌شده به لحاظ شکل و استفاده از مصالح با سایر مناطق تفاوتی نمی‌کنند. مشکلات کیفیتی اساسی‌ای همچون بی‌توجهی به اصول معماری بومی در طراحی و ساخت بناهای مسکونی جدید در شهر خمام کاملاً مشخص است. توسعه بافت مسکونی در خمام مانند بسیاری از شهرهای هم‌رده‌اش دارای ضعف‌هایی است که برخی از آن‌ها عبارت است از:

• فقدان استانداردها و نداشتن اصول طراحی و ساخت‌وساز (تصویر ۳)؛

• از بین رفتن کیفیت‌های معماری (بی‌توجهی به معماری بومی) (تصویر ۴)؛

• توجه صرف به جنبه اقتصادی مسکن و ساخت آن فقط برای سود هرچه بیشتر؛

• تقابل با طبیعت به جای همسازی و هماهنگی با آن (نک. تصویر ۳)؛

و همچنین سلسله مراتب عملکردی را به صورت مشترک در خانه‌ها مشاهده می‌کنیم.

در این معماری خانه‌ها معمولاً به صورت آزاد یا تنها از یک طرف متصل به دیوار محدوده سایت قرار گرفته‌اند. موقعیت قرارگیری ساختمان در زمین این امکان را برای ساکنان فراهم می‌کند که بتوانند ارتباط بیشتری با فضاهای باز (حیاط) داشته باشند و مهم‌تر اینکه فضاهای نیمه‌باز بیشتری در اختیار بنا قرار دهد. ایوان به‌منزله رکن اساسی خانه‌های بومی گیلان در خانه‌های خمام نیز نمود پیدا کرده است و، به‌منزله رابط درون و بیرون، بسته به نیاز ساکنان، نقش‌های عملکردی متفاوتی به خود می‌گیرد. بازشوهای متعدد و فضاهای نیمه‌باز و آزادی نسبی ساختمان در زمین امکان تهویه و کوران هوا را فراهم می‌آورد.

در خمام بناها از سطح زمین بالاترند تا از رطوبت زمین دور باشند. مصالح معماری بازهم با ظرفیت حرارتی پایین و سبک اجرا می‌شود، اما در جداره‌ها به‌ندرت از چوب به‌منزله مصالح غالب استفاده می‌شود. سقف خانه‌ها مشابهت بیشتری با معماری بومی روستایی گیلان دارد. دیوارهای دور سایت، برخلاف معماری روستایی گیلان، شفاف نیست و محدوده فضای داخلی خانه و فضاهای عمومی (خیابان و کوچه) به صورت مشخص از هم تعریف شده است.

اگرچه معماری شهری و روستایی مناطق مختلف گیلان به لحاظ شکل در برخی موارد متفاوت‌اند، معماری قدیمی و سنتی شهر خمام با اصول و ویژگی‌های معماری بومی گیلان تفاوتی ندارد و برخی تفاوت‌های کالبدی آن به علت تفاوت‌های معیشتی و فرهنگی ساکنان است.

• نیازهای فرهنگی و زیستی ساکنان

مسکن تأمین‌کننده نیازهای زیستی انسان است. این نیازها نه فقط نیازهای فیزیکی همچون سرپناه، حفاظت از سروصدا و آلودگی‌هاست، بلکه نیازهای معنوی انسان را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین مسکن یا فضای زندگی از دو حیث باید کارایی داشته باشد، یکی از حیث شرایط فیزیکی که باید، با رعایت الزامات کالبدی و ابعاد فیزیکی، محیط مطلوبی از نظر درجه حرارت و رطوبت، کوران هوا و نور مناسب فراهم کند و دیگری از حیث شرایط غیرمادی که باید فضاهای لازم برای جوابگویی به نیازهای معنوی ساکنان، مانند آسایش فکری و آرامش روحی، فراهم کند. مردم و رفتارهای آنان بخشی از سیستم محیط‌های مسکونی است. رفتارهای انسانی همواره در بستر محیط شکل می‌گیرند، به طوری که رفتار و محیط را نمی‌توان از یکدیگر جدا فرض کرد.

از نظر کالبدی مسکن تنها یک حجم ساختمانی و سرپناه نیست، بلکه در بستر توسعه اجتماعی می‌تواند موجد حس تعلق اجتماعی و تعلق به محله باشد. مسکن باید، با تمهید

• بیگانگی واحدهای مسکونی عرضه‌شده با الگوهای اجتماعی-فرهنگی ساکنان؛

• رشد فضاهای سکونتی بدون توجه به فضاهای خدماتی و پشتیبانی در بافت؛

• برهم خوردن تعادل در نسبت فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته با افزایش تراکم ساختمانی در سطح شهر.

در نتیجه با در نظر گرفتن نیاز کمی شهرهای کوچکی همچون خمام به مسکن برای تثبیت موقعیت و نقش‌آفرینی بیشتر در ایجاد تعادل در نظام سکونت‌گاهی منطقه، و همچنین کمبودها و مشکلات کیفی در بخش مسکن، توجه به راهکارهایی مؤثر و دست‌یافتنی در بخش توسعه مسکن ضروری است.

• معماری مسکن بومی در خمام

در سال‌های اخیر، به دلیل ساخت و سازهای گسترده، بافت سنتی در بسیاری از شهرها از جمله خمام از بین رفته است. در شهر خمام تعداد اندکی خانه‌های سنتی در بافت‌های قدیمی شهر وجود دارند. از این رو ویژگی‌های معماری و اصول معماری بومی خمام با بررسی این خانه‌ها و همچنین معماری بومی روستایی گیلان شناخته و استخراج می‌شود.

معماری بناهای مسکونی گیلان با تأثیرپذیرفتن از عوامل محیطی، مانند عوامل جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی، منحصر به فرد و زاینده کنش و واکنش متقابل انسان و طبیعت پیرامون است. این بناها منعکس‌کننده نیازها و خواست‌های ساکنان و معماری آن‌ها پاسخگوی نیازهای رفتاری و اقلیمی است. عوامل اثرگذار در شکل‌گیری مسکن بومی گیلان را می‌توان در دو دسته کلان «اقلیمی» و «فرهنگی-معیشتی» در نظر گرفت (یاران و مهرانفر، ۱۳۹۴).

معماری بومی گیلان دارای ویژگی‌های شکلی و عملکردی است که تشکیل‌دهنده هویت آن است. این ویژگی‌ها در ارتباط با اقلیم، فرهنگ و شرایط اجتماعی هستند. در پژوهش‌های مختلف، ویژگی‌ها و اصول متنوعی از معماری بومی گیلان را نام برده‌اند، به طور کلی می‌توان این ویژگی‌ها را به صورتی که در جدول ۲ آمده است دسته‌بندی کرد.

معماری مسکونی شهرهای کوچک در بسیاری از موارد به لحاظ اقلیمی دارای ویژگی‌های مشترک با معماری روستایی مناطق پیرامون خود است و به دلیل تفاوت‌های معیشتی ساکنان در برخی موارد، به لحاظ عملکرد فضاها و شکل عناصر، با معماری بومی روستایی متفاوت است. از جمعیت خمام حدود ده درصد به فعالیت کشاورزی اشتغال دارند و دیگران در حوزه‌های دیگری از جمله خدماتی، اداری یا مرتبط با کشاورزی مشغول‌اند، در نتیجه تنوع فضاهای عملکردی بسته به معیشت ساکنان متفاوت است. با وجود این، ساختار خطی، ارتباط تنگاتنگ درون و بیرون

جدول ۲. ویژگی‌های معماری بومی گیلان براساس پژوهش‌های پیشین. مأخذ: نگارندگان.

دسته‌بندی عوامل	عوامل اثرگذار در توسعه مسکن	پژوهش‌ها و تألیفات مرتبط
ویژگی‌های کالبدی	<p>قرارگیری بنا در میان سایت</p> <p>قرارگیری بنا بالاتر از سطح زمین</p> <p>سقف شیبدار</p> <p>جهت‌گیری به‌سمت بادهای موسمی</p> <p>ایوان در یک یا چند جهت خانه</p> <p>شکل خطی (مستطیلی) و امتداد شرقی-غربی</p> <p>تخلخل بالا در نماهای اصلی</p> <p>پرهیز از تجمعات فراوان</p> <p>(تزیینات در نرده‌ها و سرستون‌ها و با استفاده از عناصری همچون گلدان در نما)</p>	<p>خاکپور، ۱۳۸۴؛</p> <p>خاکپور، ۱۳۸۵؛</p> <p>خاکپور، انصاری، و طاهرنیان، ۱۳۸۹؛</p> <p>خاکپور و عشقی صنعتی، ۱۳۹۳؛</p> <p>طاهباز و جلیلیان، ۱۳۹۰؛</p> <p>گرچی مهلبانی و یاران، ۱۳۸۹؛</p> <p>گرچی مهلبانی و دانشور، ۱۳۸۹؛</p> <p>مهربابیان، مجدلی، و فرازجو، ۱۳۹۴؛</p> <p>یاران و مهرانفر، ۱۳۹۴</p>
ویژگی‌های عملکردی	<p>دسترسی از طریق ایوان و محل قرارگیری فعالیت‌های مختلف در آن</p> <p>عملکردهای متفاوت اتاق‌ها در فصل‌های مختلف و براساس نیاز ساکنان</p> <p>مرزبندی و رعایت حریم‌های نامرئی براساس نیازهای ساکنان</p> <p>چندلایه‌بودن فضاهای عملکردی و فضایی در مرکز بنا</p>	
ویژگی‌های سازه‌ای	<p>سازه نسبتاً ساده (تیر و ستون چوبی)</p> <p>استفاده از مصالح بومی (چوب و الباف گیاهی)</p> <p>انتقال بارهای جانبی از طریق دیافراگم و پی‌های دارای تکیه‌گاه‌های مفصلی</p>	

فضایی متفاوتی را به‌وجود می‌آورد. محیط مسکونی، همچون نمادی از ساکنان در فرایند کنش متقابل، ویژگی‌هایی از ساکنان را تفسیر و بیان می‌کند. محیط مسکونی به‌عنوان نمادی از ساکنان، در فرایند کنش متقابل، ویژگی‌هایی از ساکنان را تفسیر و بیان می‌کند. می‌توان شش معرف پناهگاه، هویت، همبستگی، آسایش، راحتی و مناسب‌بودن فیزیکی را برای آن برشمرد (پوردیپیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲).

برای تأمین اهداف فرهنگی و اجتماعی در مسکن با کاوش در زندگی، تاریخ، اندیشه‌ها، عقاید، الگوهای زندگی، آداب و رسوم و سنت‌ها اصول و قواعدی استخراج می‌شود که در طراحی به‌کار می‌رود. بدان معنا که یک برنامه توسعه مسکن مناسب باید در پی ارتقای فرهنگ و خصوصیات اجتماعی، تشویق روابط محلی و نهادهای اجتماعی باشد.

بحث

• جمع‌بندی و ارائه راهکارها

مسکن دارای ویژگی‌های فرمی، عملکردی و خصوصیات و کیفیت‌های فضایی است. شکل‌گیری و ایجاد این خصوصیات با استفاده از مصالح و شیوه‌های مختلف ساخت تحقق می‌یابد. در نتیجه در این پژوهش راهکارهای توسعه

عناصر معمارانه، زمینه تعامل بین ساکنان را فراهم کند. عناصر معمارانه‌ای چون ایوان‌ها (فضاهای نیمه‌باز)، باغچه‌های روی سقف، فضاهای نیمه‌عمومی و ساختمان‌های چندعملکردی نقش مؤثری در تقویت این عامل دارند. در واقع از آنجایی که هر رابطه اجتماعی نیاز به ظرف مکانی دارد، دستیابی به الگوی مسکن موفق به‌لحاظ تعاملات اجتماعی مستلزم بازبینی الگوهای فضایی-کالبدی متناسب با فعالیت‌های اجتماعی ساکنان است.

نقش مسکن تأمین نیازهای کیفی زندگی انسان و فراهم کردن شرایط مطلوب برای خانواده و تحقق فعالیت‌های خانوادگی به‌منظور ثبات و همبستگی خانوادگی است. نقش دیگر مسکن فراهم کردن شرایط مشارکت خانواده در اجتماعی بزرگ‌تر است. زیرا تماس اجتماعی نیز یکی از نیازهای اساسی انسان است که نوع و گستره آن وابسته به فرهنگ جوامع است. تأثیر مشارکت اجتماعی خانواده در مسکن از یک سو سلسله‌مراتب و انتظام فضاهای داخلی واحد مسکونی را از سرپناه متفاوت می‌کند، از سوی دیگر بر نحوه ترکیب واحدها و تعامل آنها با یکدیگر در نظام کلان با بافت مسکونی تأثیر می‌گذارد (پوردیپیمی، ۱۳۹۱).

با تغییر نیازهای انسان و شیوه زندگی، الگوی رفتاری ساکنان نیز در خانه‌ها دچار تحول می‌شود و سازمان‌دهی

به کل سایت تعمیم می‌دهد، می‌تواند در شکل‌گیری این فعالیت‌ها مؤثر باشد.

• راهکارهای عملکردی

- عرصه‌بندی: سلسله‌مراتب در فضاهای عملکردی با موقعیت قرارگیری فضاها و همچنین ایجاد مرزهای مرئی و یا نامرئی در مسکن برای تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی؛
- انعطاف‌پذیری: طراحی فضاهایی با کاربردهای متفاوت براساس نیاز ساکنان و همچنین استفاده از فضای نیمه‌باز در جبهه‌های مختلف بنا با توانایی تحقق عملکردهای متنوع که بتواند در فصول سرد نیز با بسته‌شدن به فضای داخلی اضافه شود.

• راهکارهای مربوط به مصالح و ساخت

- استفاده از مصالح سبک: استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی کم به دلیل اعتدال هوا و توانایی تهویه در بنا؛
- توجه به باران و رطوبت: قراردادن بنا بالاتر از سطح زمین برای تهویه طبیعی در زیر بنا و جلوگیری از رطوبت بالارونده. بارش، به‌منزله یکی از مهم‌ترین خصوصیات اقلیمی این حوزه، تأثیر به‌سزایی در نحوه ساخت مسکن دارد. ذخیره‌سازی و استفاده از باران، به‌منزله یکی از راهکارهای طراحی در این منطقه، می‌تواند به خودکفایی و پایداری بیشتر مسکن بینجامد.

نتیجه‌گیری

مسکن مناسب مکانی است که فضای مطلوب برای برطرف کردن نیازهای زیستی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم آورد. طراحی با تکیه بر دانش تعامل انسان با محیط به نتیجه می‌رسد. معماری بومی در بستر محیط، با توجه به نظام‌های انسانی و طبیعی، شکل گرفته است و از راهکارهای آن، در صورت شناخت و بررسی دقیقشان، امروزه نیز برای پاسخ‌گویی به این نظام‌ها در بسیاری از موارد می‌توان بهره جست. بنابراین، با بررسی وضعیت مسکن و توجه به نقش آن در شهرهای کوچک، که بستری مناسب برای توسعه‌اند، تبیین شاخص‌ها و ضوابط و معیارها برای مسکن مناسب با توجه به همه جوانب نیازهای انسانی و با شناخت الگوهای معماری بومی و احیای آن‌ها، به‌مثابه نمونه‌های همساز با محیط، می‌توان راهکارهای توسعه و طراحی برای مسکن را ارائه کرد.

براساس یافته‌ها از نمونه مورد مطالعه (شهر کوچک خمام) و طی روند و مراحل ذکرشده، راهکارهای توسعه مسکن در چهار دسته کالبدی، فضایی و عملکردی و مصالح و ساخت ارائه می‌شود که در جدول ۳ نشان داده شده است. این راهکارها در مقیاس معماری ارائه شده‌اند و ابعاد مختلف مؤثر در توسعه مسکن شامل اقتصادی، کالبدی، عملکردی

مسکن، در چهار دسته کالبدی، فضایی، عملکردی و راهکارهای مربوط به مصالح و ساخت، ارائه می‌شود.

• راهکارهای فرمی و کالبدی

- فرم کشیده: فرم کشیده در جهت شرقی-غربی علاوه بر اینکه بهره‌گیری از نور را در سطح بیشتری فراهم می‌آورد، تهویه طبیعی با جریان بادهای موسمی را نیز ممکن می‌کند؛
- جهت‌گیری و موقعیت ساختمان در سایت: ساختمان بهتر است از سه جهت آزاد باشد تا بتواند فضای مورد نیاز ساکنان را فراهم آورد و همچنین با توجه به جهت‌گیری مناسب امکان تهویه داخلی داشته باشد. آزادبودن بنا در سایت ارتباط بیشتر با فضاهای باز و قرارگیری فضاها نیمه‌باز در جبهه‌های مختلف بنا را ممکن می‌کند؛

- نفوذپذیری در جداره: در این اقلیم تهویه طبیعی نقش مهمی در ایجاد شرایط آسایش در ساختمان دارد، بنابراین قراردادن بازشوها در ابعاد و محل‌هایی که باد و هوا به داخل بنا نفوذ پیدا کند و در آن جریان داشته باشند اهمیت دارد؛

- فضای نیمه‌باز: فضاهای نیمه‌باز، علاوه بر خصوصیات عملکردی، تأثیر مهمی در ایجاد تصویر بیرونی از بناهای این حوزه فرهنگی-اقلیمی دارند؛

- ارتفاع کم و متوسط: ساختمان‌ها در شهرهای کوچک برخلاف شهرهای بزرگ کمتر به‌صورت عمودی رشد می‌کنند. بناهای مسکونی در شهرهای کوچک معمولاً به یک یا دو واحد اختصاص می‌یابند. این مورد می‌تواند در ایجاد حس تعلق و مالکیت در محله‌های شهرهای کوچک و پیوند اجتماعی مؤثر باشد. این ویژگی از وجوه تمایز راهکارهای توسعه شهرهای کوچک از راهکارهای توسعه شهرهای بزرگ و کلانشهرهاست؛

- الگوی معماری روستایی: شهرهای کوچک، به‌دلیل موقعیت قرارگیری و دارابودن امکانات رفاهی، با ایجاد مجموعه‌های مسکونی که در ساخت آن‌ها از الگوی معماری بومی روستایی استفاده شده است، می‌توانند مقصد گردشگری باشند. این راهکار علاوه بر اینکه به حفظ الگو و معماری بومی کمک می‌کند، توسعه اقتصادی شهرهای کوچک را در بردارد.

• راهکارهای فضایی

- طرح فضایی گسترده و خطی: برای ایجاد کوران در بنا نیاز به یک طرح فضایی گسترده است و با توجه به فرم کشیده ساختمان، ساماندهی فضاها به‌صورت خطی و در امتداد یکدیگر است؛

- ارتباط بین داخل و خارج: بسیاری از فعالیت‌ها در این حوزه می‌تواند در فضاهای نیمه‌باز و باز مسکن انجام پذیرد. ارتباط بین داخل و خارج مسکن علاوه بر اینکه حوزه سکونتی را

از آنجا که دو عامل فرهنگ و محیط در ارائه این راهکارها تأثیر به‌سزایی دارند، این راهکارها به حوزه‌های جغرافیایی و فرهنگی متفاوت تعمیم‌پذیر نیستند و در بسترهای مختلف فرهنگی و اقلیمی به پژوهش‌های بیشتری در این زمینه نیاز است. همچنین توجه به سایر عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی توسعه مسکن، همچون ویژگی‌های کمی و موارد اجرایی، برای تدوین و ارائه الگویی جامع می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد.

و فضایی، اجتماعی و محیط زیست را نیز در بر می‌گیرند. گرچه بسیاری از این راهکارها در شهرهای متوسط و بزرگ، به دلیل مشترکات فرهنگی و اقلیمی، کاربرد دارند، برخی از آن‌ها از جمله میزان توسعه عمودی (ارتفاع کم و متوسط) و همچنین استفاده از الگوی معماری روستایی در برخی بخش‌ها، به‌منزله مقصد گردشگری و اقامت موقت، مختص به شهرهای کوچک است.

جدول ۳. راهکارهای توسعه مسکن. مأخذ: نگارندگان.

دسته‌بندی راهکارها	راهکار	جزئیات اجرایی
راهکارهای کالبدی	فرم کشیده	استفاده از فرم‌های کشیده در جهت شرقی-غربی
	جهت‌گیری و نفوذپذیری	استفاده از تهویه طبیعی هوا (کوران) با توجه به جهت ساختمان، ابعاد و محل بازو نسبت به جهت باد
	موقعیت قرارگیری	قرارگیری ساختمان به‌صورت آزاد در سایت برای تهویه و ارتباط بیشتر با فضاهای باز
	فضای نیمه‌باز	استفاده از فضاهای نیمه‌باز با قابلیت تبدیل به فضای بسته به‌کمک انعطاف‌پذیری جداره‌ها عقب‌نشستن بنا در جبهه‌های شمال و غرب با استفاده از ایوان
راهکارهای فضایی	ارتفاع کم و متوسط	بناها با ارتفاع متوسط (دو یا سه سطح)
	الگوی معماری روستایی	ساخت بناهایی با الگوی معماری بومی روستایی برای استفاده گردشگری و اسکان موقت
	طرح فضایی گسترده	طرح فضایی گسترده برای ایجاد کوران در بنا
راهکارهای عملکردی	ساماندهی خطی	ساماندهی فضاها به‌صورت خطی و در امتداد یکدیگر
	ارتباط بین داخل و خارج	ارتباط فضایی تنگاتنگ بین درون و بیرون (شفافیت)
راهکارهای عملکردی	عرصه‌بندی	ایجاد سلسله‌مراتب در فضاهای عملکردی و تفکیک عرصه‌های عمومی و خصوصی
	انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری در فضاهای زندگی به‌منظور کاربرد در تمام فصول استفاده از فضاهای نیمه‌باز به‌عنوان فضایی با توانایی تحقق عملکردهای متنوع
راهکارهای مصالح و ساخت	استفاده از مصالح سبک	استفاده از مصالح سبک با ظرفیت حرارتی کم به‌دلیل اعتدال دما و تهویه
	توجه به باران و رطوبت	کف طبقه همکف بالاتر از کف طبیعی زمین برای جلوگیری از نفوذ رطوبت و ایجاد فضای حایل در کف جمع‌آوری و ذخیره‌سازی، برای بهره‌گیری مناسب از آب باران با استفاده از سطوح مناسب و فضای سبز بام ساختمان به‌شکل شیب‌دار

طراحی شهری اقلیمی، مورد پژوهی: شهر کرمان. مدیریت شهری، ۱۴(۳۸)، ۳۴۷-۳۷۰.

• بزی، خدارحم؛ کیانی، اکبر و راضی، امیر. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل برنامه‌ریزی توسعه مسکن پایدار، مطالعه موردی: شهر حاجی آباد استان فارس. چشم‌انداز زاگرس، ۲(۳)، ۲۵-۴۶.

• پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۹۲).

فهرست منابع

• ایران‌دوست، کیومرث و امینی، امین. (۱۳۹۰). ارزیابی چالش‌های مدیریت شهرهای کوچک‌انداز از دید گروه‌های ذی‌نفع. مطالعات شهری، ۹۱-۱۰۸، (۱).

• ایرانمنش، الهه؛ نصرت‌پور، دریا؛ میرشک‌داغیان، مریم و هادی، مرضیه. (۱۳۹۴). ارائه شاخص‌های طراحی مسکن بومی با تأکید بر مؤلفه‌های

- نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: سمت.
- پوراحمد، احمد؛ زبیری، کرامت‌اله؛ یوسفی، رشید و حاجیلو، مهدی. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی و برنامه‌ریزی مسکن شهر زنجان. *آمایش محیط*، ۹(۳۳)، ۱-۲۳.
 - پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). شهر، مسکن و مجموعه‌ها. تهران: آرمان شهر.
 - پوردیهیمی، شهرام و نورتقانی، عبدالمجید. (۱۳۹۲). هویت و مسکن: بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنان و محیط مسکونی. *مسکن و محیط روستا*، ۱(۴۱)، ۳-۱۸.
 - پورمحمدی، محمدرضا؛ روستایی، شهرپور و اسدی، احمد. (۱۳۹۳). تحلیلی بر مطلوبیت اجتماعی و تأثیر آن بر مسکن‌گزینی، مطالعه موردی: محلات با توسعه مسکونی بالا در بافت فرسوده شهر زنجان. *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۵(۱۷)، ۱-۱۸.
 - حکمت‌نیا، حسن و انصاری، ژینوس. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی مسکن شهر میبد با رویکرد توسعه پایدار. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)*، ۴۴(۷۹)، ۱۹۱-۲۰۷.
 - خاکپور، مژگان. (۱۳۸۴). مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان. *هنرهای زیبا*، ۲۲(۲۲)، ۶۳-۷۲.
 - خاکپور، مژگان. (۱۳۸۵). ساخت خانه‌های شیکیلی در گیلان. *هنرهای زیبا*، ۲۵(۲۵)، ۴۵-۵۴.
 - خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی و طاهرانیا، علی. (۱۳۸۹). دسته‌بندی خانه‌ها در بافت قدیم شهر رشت. *هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲(۴۱)، ۲۹-۴۲.
 - خاکپور، مژگان و شیخ‌مهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان. *مدیریت شهری*، ۹(۲۷)، ۲۲۹-۲۴۵.
 - خاکپور، مژگان و عشقی صنعتی، حسام. (۱۳۹۳). بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان. *مسکن و محیط روستا*، ۱(۴۸)، ۳-۲۰.
 - خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ شیخ‌مهدی، علی و طاووسی، محمود. (۱۳۹۴). ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی مسکن بومی. *مسکن و محیط روستا*، ۳(۱۴۹)، ۳-۱۴.
 - دانش‌پایه، نسار؛ حبیب، فرح و طغیانی، شیرین. (۱۳۹۶). تدوین شاخص‌های کالبدی مؤثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری. *مدیریت شهری*، ۱۱۹-۱۳۰(۴۷).
 - راهب، غزال. (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم «گونه» در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته‌بندی گونه‌های مسکن روستایی در ایران. *مسکن و محیط روستا*، ۳(۱۵۰)، ۳-۱۸.
 - روستایی، شهرپور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر و زنگنه، علی‌رضا. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های کالبدی-اجتماعی مسکن در تعیین بلوک‌های فقیرنشین با استفاده از مدل تحلیل عاملی، مطالعه موردی: شهر کرمانشاه. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۸۱(۸۱)، ۱۴۱-۱۵۶.
 - زندیه، مهدی و حصار، پدram. (۱۳۹۱). تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی. *مسکن و محیط روستا*، ۳۱(۱۳۸)، ۶۳-۷۲.
 - سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی مشکلات مسکن در ایران. *صفه*، ۲۳(۳۹)، ۲۳-۴۴.
 - سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۵). مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه.
- هنرهای زیبا، (۲۷)، ۴۷-۵۶.
- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۷). روستا: سکونتگاه مطلوب. مسکن و محیط روستا، ۲۷(۱۲۳)، ۲-۱۳.
 - شریفی‌نیا، زهرا و نورا، محمدرضا. (۱۳۸۹). بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه، مطالعه موردی: دهستان نظام‌آباد، شهرستان آزادشهر. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۳(۱)، ۹۳-۱۰۷.
 - ضرابی، اصغر و موسوی، میرنجف. (۱۳۸۸). بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان یزد. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۰(۳۴)، ۱-۱۸.
 - طاهباز، منصوره و جلیلیان، شهربانو. (۱۳۹۰). شاخص‌های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان. *مسکن و محیط روستا*، ۳۰(۱۳۵)، ۲۳-۴۲.
 - عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۳). جایگاه شاخص‌های مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی مسکن. *هنرهای زیبا*، ۱۷(۱۷)، ۳۱-۴۲.
 - عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۴). تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران. *هنرهای زیبا*، ۲۳(۲۳)، ۲۵-۳۴.
 - علی‌الحسابی، مهران؛ اربابیان، همایون و یوسف زمانی، مهرداد. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل مؤثر در ارتقای آموزش طراحی مجتمع‌های زیستی. *فناوری آموزش*، ۳(۳)، ۲۲۵-۲۳۷.
 - علی‌الحسابی، مهران؛ حسینی، سیدباقر و نسبی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی توسعه پایدار از دیدگاه اقتصادی و محیطی با تمرکز بر جایگاه مسکن، نمونه موردی: مسکن بافت قدیم شهر بوشهر. *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای (دانش و توسعه)*، ۱(۱)، ۱۵۲-۱۶۵.
 - فنی، زهره. (۱۳۸۸). شهرهای کوچک، رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای. تهران: آذرخش.
 - فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید؛ امیری‌فهلپانی، محمدرضا؛ مرادی مفرد، سمیرا و بوستانی، مجید. (۱۳۹۵). تحلیل وضعیت شاخص‌های ساختاری-کارکردی کیفیت شهرنشینی در شهرهای کوچک، مورد پژوهی: شهر نورآباد ممسنی. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶(۲۳)، ۲۱۳-۲۲۴.
 - قرخلو، مهدی؛ شعبانی‌فرد، محمد؛ حسینی، علی و احدزاده، ثریا. (۱۳۸۸). جایگاه شهرهای جدید در توسعه مسکن. *مسکن و محیط روستا*، ۲۸(۱۲۵)، ۱۸-۳۵.
 - گرجی مهربانی، یوسف و دانشور، کیمیا. (۱۳۸۹). تأثیر اقلیم بر شکل‌گیری عناصر معماری سنتی گیلان. *آرمانشهر*، ۴(۴)، ۱۳۵-۱۴۵.
 - گرجی مهربانی، یوسف و یاران، علی. (۱۳۸۹). راهکارهای معماری پایدار گیلان به همراه قیاس با معماری ژاپن. *هنرهای زیبا*، ۴۱(۴۱)، ۴۳-۵۴.
 - لطفی، حیدر؛ احمدی، علی و حسن‌زاده فرجود، داود. (۱۳۸۸). شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران. *آمایش محیط*، ۲(۷)، ۱۰۵-۱۲۸.
 - لطفی، صدیقه و خیرخواه، زلیخا. (۱۳۹۱). بررسی کمی و کیفی و پیش‌بینی مسکن مورد نیاز، مطالعه موردی: شهر ساری، افق ۱۴۰۰. *چشم‌انداز زاگرس*، ۴(۱۲)، ۴۱-۵۸.
 - محمودی، محمدمهدی و نیکقدم، نیلوفر. (۱۳۸۷). کاهش آلودگی‌های محیطی ناشی از توسعه مسکن با راهکارهای طراحی معماری، مطالعه موردی: بافت‌های مسکونی پیرامون تهران. *هنرهای زیبا*، ۳۵(۳۵)، ۲۷-۳۸.
 - مطالعات طرح جامع مسکن استان گیلان. (۱۳۸۸). *مهندسیین مشاور پارسوماش پایدار*، سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان.

- Anna-Maria, V. (2009). Evaluation of a sustainable Greek vernacular settlement and its landscape: Architectural typology and building physics. *Building and Environment*, 44(6), 1095–1106.
- Oikonomou, A. & Bougiatioti, F. (2011). Architectural structure and environmental performance of the traditional buildings in Florina, NW Greece. *Building and Environment*, 46(3), 669–689.
- Philokyrou, M. & Michael, A. (2012). Evaluation of the Environmental Features of Vernacular Architecture. A Case Study in Cyprus. *International Journal of Heritage in the Digital Era*, 1(1), 349–354.
- Yaran, A. & Mohammadi Khoshbin, H. (2012). The role of housing in the regional development approach of small cities. *International Journal of Architectural Engineering and Urban Planning*, 22(1), 20-25.

- مطالعات طرح هادی شهر خمّام، مهندسين مشاور ايران آمایش، سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان.
- مهربیان، ساهره؛ مجدّی، شیما و فرازجو، فروغ. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی تناسبات فضای پر و خالی در معماری خانه‌های بومی مناطق جلگه‌ای و کوهستانی در شرق گیلان. مقاله ارائه‌شده در همایش ملی معماری، شهرسازی، عمران و محیط زیست، تهران.
- مولانایی، صلاح‌الدین و سلیمانی، سارا. (۱۳۹۵). عناصر با ارزش معماری بومی منطقه سیستان بر مبنای مؤلفه‌های اقلیمی معماری پایدار. باغ نظر، ۱۳(۴۱)، ۵۷–۶۶.
- یزدانفر، سیدعباس؛ حسینی، سیدباقر و زرودی، مصطفی. (۱۳۹۲). فرهنگ و شکل خانه، مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۴)، ۱۷–۳۲.
- یاران، علی و مهرانفر، ارس. (۱۳۹۴). تطابق شاخصه‌های مسکن بومی گیلان با معماری مدرن غرب. آرمان‌شهر، ۱۵، ۱۶۹–۱۷۹.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

یاران، علی و محمدی خوش‌بین، حامد. (۱۳۹۸). راهکارهای توسعه مسکن در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر خمّام در استان گیلان. باغ نظر، ۱۶(۷۸)، ۱۵–۲۶.

DOI: 10.22034/bagh.2019.159599.3884

URL: http://www.bagh-sj.com/article_96569.html

